

## سندی از روستای خاوه ورامین

جواد صفی‌نژاد\*

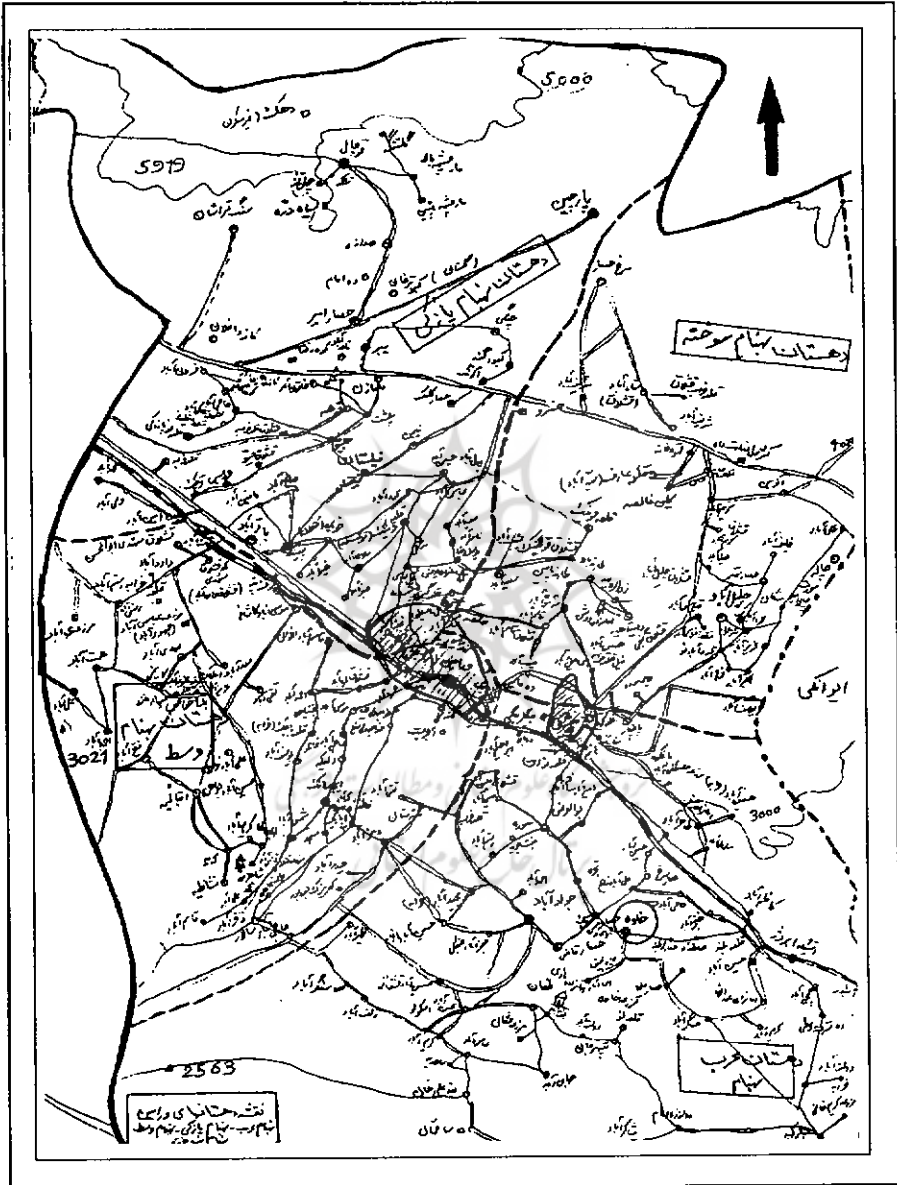
روستای خاوه در حاشیه کویر سیاه کوه در منطقه بهنام غرب که در جنوب شرقی ورامین واقع شده، در زمان ناصرالدین شاه قاجار (سلطنت ۱۲۶۴-۱۳۱۳ ه. ق.) یکی از معتبرترین روستاهای خالصه ورامین به‌شمار می‌رفت. کتاب صورت املاک خالصه تهران<sup>۱</sup> در سال ۱۳۰۲ ه. ق. درباره خاوه می‌نویسد: (به اختصار):

آب ۱۲ رشته قنات کم‌آب، پس از پیوستن به هم در استخری در شمال خاوه جمع شده به سمت خاوه جریان می‌یابد و در سر راه خود چرخ ۱۰ آسیاب را نیز به گردش درمی‌آورد، تپه‌های خرابه زیادی در اطراف روستا دیده می‌شود. از جمله تپه بزرگی در وسط آبادی واقع شده که اماکن مسکونی کنونی در اطراف همین تپه بنا شده‌اند، دارای حمامی مخروطی است و سه امامزاده نیز در آنجا مدفون‌اند، در آنجا بهاروندی بزرگ و انبار کاهی با گنجایش یک هزار خروارکاه نیز ساخته‌اند. سه رشته قنات کهن در اراضی خاوه وجود دارد که دو رشته آن بایر و یک رشته آن دایر است و حدود یک سنگ [حدود ۱۲ لیتر در ثانیه] آب دارد. نهر رود آبی هم [از رود جاجرود] دارد که مقدار آب آن با قریه طغان [همسایه غربی] مشترک است و شیوه این تقسیم در غرب امامزاده جعفر واقع در شمال غربی خاوه انجام می‌گیرد و مدار گردش آن ۱۰ شبانه روز یک بار است.

\* استادیار گروه انسان‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

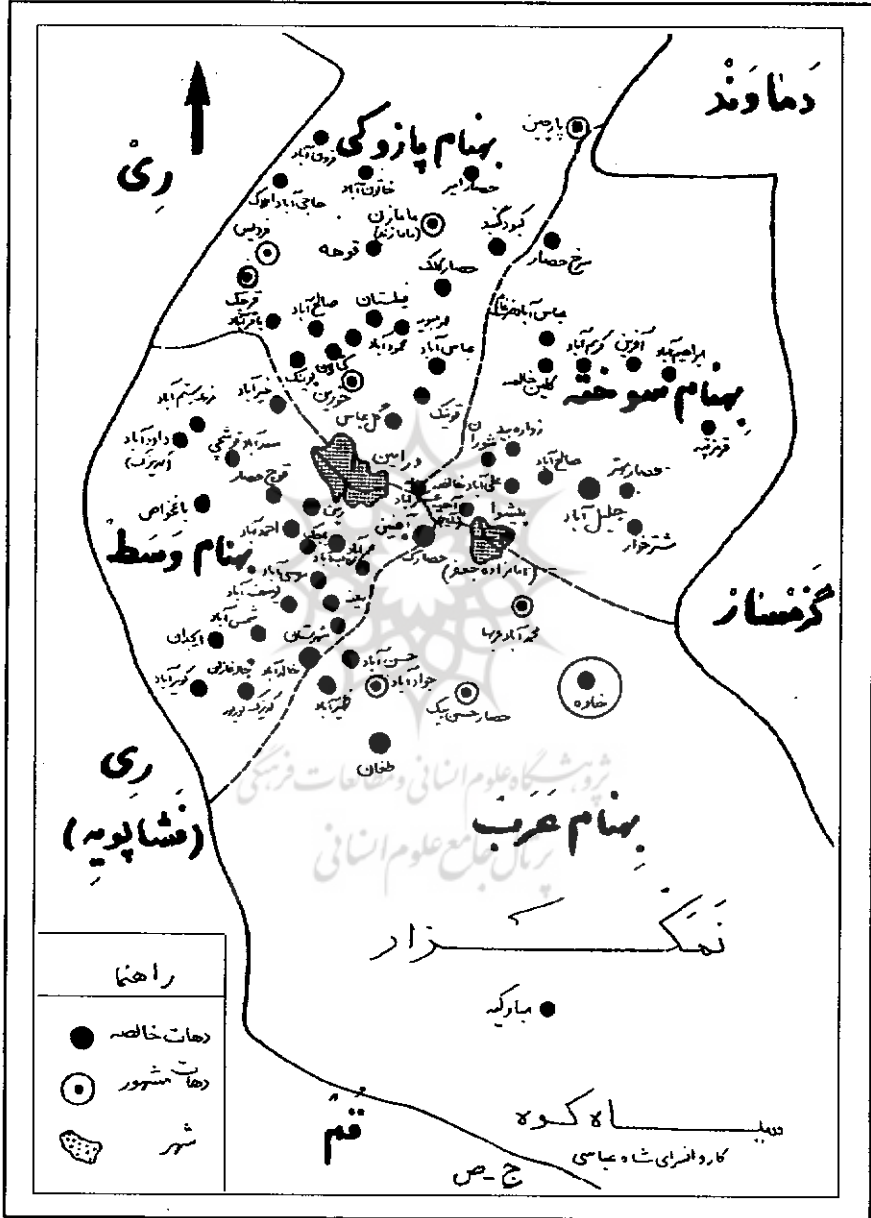
۱. صورت املاک خالصه تهران: کتابخانه آستان قدس، نسخه خطی، [۱۳۰۲ ه. ق.]، نسخ و نستعلیق شکسته، شماره عمومی ۸۶۴۹، دارای ۴۳ ورق. نسخه عکسی آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. این رساله در جلد دوم، تحلیل و تفسیر مجموعه اسناد روستایی و عشایری ایران، کتاب چهارم، اسناد زراعی ورامین به کوشش جواد صفی‌نژاد، تهران، نشر آتیه در ۱۳۷۷، ۹۵۹-۱۰۰۵ به چاپ رسیده است.

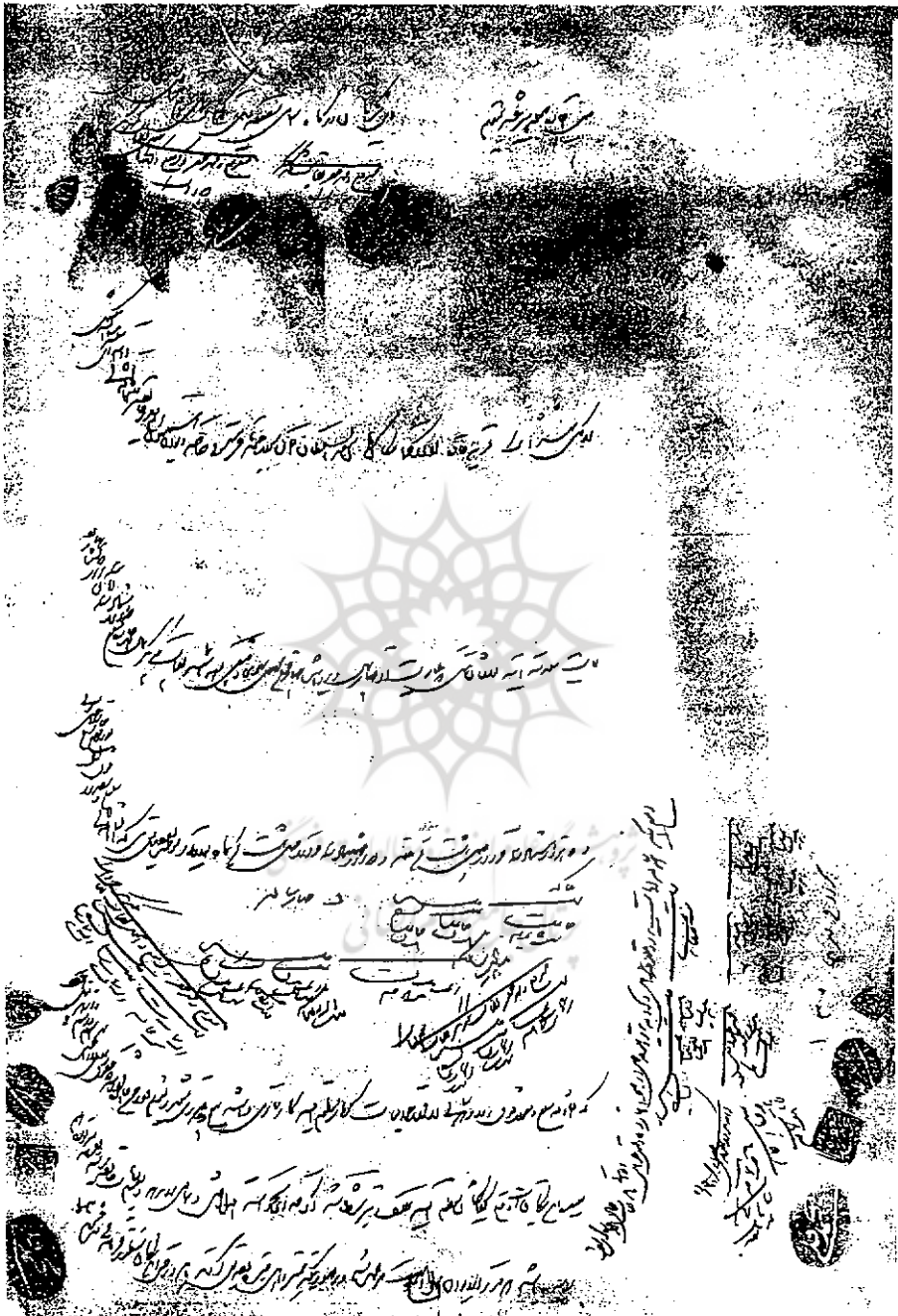
موقعیت روستای خاوه در پهنه روستاهای ورامین



نقل از: جغرافیای تاریخی ورامین، دکتر علاءالدین آذری دمیرچی، تهران، ۱۳۴۸.

دهات‌های خالصة و بزرگ پهنه ورامین





تحریر سند

۱. قبول اجاره صحیحه شرعیه نمودیم: این بندگان درگاه [به] اسامی مفصله ذیل، همگی و تمامی منافع و مداخل محصول شتوی و صیفی و آب فروشی و غیره دو دانگ و نیم.
۲. محمدقلی و محمدجعفر به ضمانت یکدیگر نیم دانگ.
۳. [محل مهر]: محمدقلی و عبدجعفر

۱۲۹۱ ۱۲۸۶

صفرعلی و محمدجعفر و کرمعلی و کربلایی اسماعیل، به ضمانت یکدیگر، دو دانگ [محل مهر]: صفرعلی، محمدجعفر، کرمعلی [سه بار مهر زده].

۱۲۶۸ ۱۲۸۶ ۱۲۸۱

۴. از کل شش دانگ قریه خاوه از گماشتگان آقای معتمدالسلطان، آقای میرزا محمد باقر مستوفی صاحب دیوان همایون اعلی [اعلا] مدیر خالصه زیداقباله العالی از ابتدای سنه هذالسنه تنگوزئیل،

۵. لغایت سنبله سنه آتیه توشقان ئیل که عبارت از چهار سال و برداشت چهار خرمن محصول شتوی و صیفی بوده باشد به ضمانت یکدیگر به مال الاجاره به مبلغ دو هزار و هشتاد و سه تومان سه هزار و دو سیست و پنجاه دینار.

۶. و دو هزار و هشتاد و سه خروار و چهل و هشت من غله و دو هزار و هشتاد و سه خروار و چهل و هشت من کاه به وزن تبریز به موجب تفصیل ذیل که انشاءاله تعالی، مبلغ و مقدار فوق را در رفع چهار زراعت معمولی،

۷. یکساله

۷/۱. نقدی

۵۲۰ تومان و ۸ قران و ۳۱۲ دینار

جنسی

غله: ۵۲۰ خروار و ۸۷ من [نیمی از غله گندم و نیم دیگر آن جو، نصف، نصف]

گندم: ۲۶۰ خروار و ۴۳ من و ۲۰ سیر

[جو: ۲۶۰ خروار و ۴۳ من و ۲۰ سیر]

۷/۲. چهارساله

نقدی

۲۰۸۳ تومان و ۳ قران و ۲۵۰ دینار

جنسی

غله: ۲۰۸۳ خروار و ۴۸ من [گندم و جو]  
کاه: ۲۰۸۳ خروار و ۴۸ من  
گندم: ۱۰۴۱ خروار و ۷۴ من } غله  
جو: ۱۰۴۱ خروار و ۷۴ من }

۷/۳. حاشیه راست متن:

محمدقلی و محمدجعفر به ضمانت یکدیگر از بابت نیم‌دانگ.

نقدی: ۴۱۶ تومان و ۶ قران و ۶۷۰ دینار

غله: ۴۱۶ خروار و ۶۸ من } جنسی  
کاه: ۴۱۶ خروار و ۶۸ من }

۷/۴. حاشیه چپ متن:

صفرعلی، محمدجعفر، کرمعلی و اسماعیل به ضمانت یکدیگر، دودانگ.

نقدی: ۱۶۶۶ تومان ۶ قران و پانصد و ۱۰ دینار

غله: ۱۶۶۶ خروار و ۸۰ من } جنسی  
کاه: ۱۶۶۶ خروار و ۸۰ من }

۸. که انشاءالله مبلغ و مقرری فوق را در هر سالی از قرار حوالجات سرکار معظم‌الیه کارسازی داشته، به هیچ وجه عذری متعذر نشویم و در ضمن اجاره قرار شد که حقوق رعیتی و زراعتی به هر اسم و رسم و از هر قبیل هست.

۹. به عهده این بندگان است و رفعی به گماشتگان معظم‌الیه ندارد و نیز شرط شد که اگر خدای نخواستہ آفت ارضی و سماری روی دهد و به عموم دهات خالصه رسد و به قریه مزبوره هم.

۱۰. رسیده باشد هر قدر از دیوان همایون اعلی تخفیف مرحمت شد در صورتی که ممیز و اهل خبره تصدیق کردند باید در حق این بندگان منظور فرمائید.

فی شهر محرم ۱۳۰۵ [ه. ق.]

حاشیه سند

۱۱. توضیح این‌که همه‌ساله از بابت بذر و علوفه عوامل و کرایه بذر و علوفه، حمل از صحرا به انبار ده و تحویل عوامل دیوانی باید از بابت مال‌الاجاره مجزی شود.
۱۲. نقدی: ۱۹ تومان و ۵ قران و ۱۰ شاهی

جنسی { گندم: ۲۰ خروار و ۸۳ من و ۲۰ سیر  
جو: ۳۴ خروار و ۱۷ من  
کاه: ۸۰ خروار }

۱۳.

بذر: ۴۱ خروار و ۶۷ من [گندم و جو] ۱۳/۱  
گندم: ۲۰ خروار و ۸۳ من و ۲۰ سیر  
جو: ۲۰ خروار و ۸۳ من و ۲۰ سیر

علوفه: ۱۳ فرد [گاو شخم] ۷۳ خروار ۱۳/۲  
جو: ۱۳ خروار و ۳۴ من

۱۳/۳. فرد عوامل ۱۳ فرد، یونجه ۱۲ خروار

۱۳/۴. کرایه بذر و علوفه، حمل از صحرا به انبار ده، ۷ تومان و ۵ قران و ۷۵۰ دینار.

[کرایه] گندم: ۵۵ خروار و ۲۰ سیر، ۲ تومان و ۷ قران و ۷۵۰ دینار (فی: خرواری ۵۰۰ دینار).

[کرایه] کاه: ۸۰ خروار، ۴ تومان و ۸ قران (فی: خرواری ۶۰۰ دینار کرایه حمل)

تحریر فی شهر متن ۱۳۰۵ [ه. ق.]

محل مهر: محمدقلی، عبدجعفر، صفرعلی و کرملی.

اطلاعات آماری سال ۱۳۰۲ ه. ق. قریه خاوه از کتابچه املاک خاصه:

۲۷۰ خروار [۵۴۰ هکتار]	– بذر کاشته شده (گندم و جو)
۱۰۰ خروار (نصف جو، نصف گندم)	– بذر دیوانی
۱۷۰ خروار	– بذر رعیتی
۱۱۲ فرد (۵۶ جفت)	– عوامل (گاو شخم)
۳۲ فرد (۱۶ جفت)	– عوامل دیوانی

۸۰ فرد (۴۰ جفت)	- عوامل رعیتی
۵۰۰ خروار [۱۰۰۰ هکتار]	- مساحت بذرافشان
۷۰ خانوار	- جمعیت
۱۲۰ نفر	- ذکور
۱۳۰ نفر	- اناث
۸۰ نفر	- طفل
۳۰۰ رأس	- گوسفند و [بز]
۲۰ رأس	- گاو ماده
۴۰ رأس	- الاغ
۱۲ رأس	- مادیان
۲ رأس	- اسب

#### اجاره بهاء

سند ضمیمه سال ۱۳۰۲ ه. ق. مشخص‌کننده اجاره بهاء چهار ساله و سالانه ۲/۵ دانگ از شش‌دانگ روستا است که همه ساله بایستی مقدار نقدی و جنسی آن پرداخت شود، سند دیگری مربوط به سال ۱۳۰۵ ه. ق. در اختیار نگارنده است که ارقام اجاره بها سالیانه و شش‌دانگ آن با سند موردنظر به شرح زیر همخوانی دارند:

۱۲۵۰ تومان	} نقدی پول نقد
۱۲۵۰ خروار (نصف گندم نصف جو)	
۱۲۵۰ خروار	} جنسی ۱ مقدار غله مقدار کاه

مدت زمان اجاره‌نامه‌ها معمولاً ۱ تا ۵ سال بود که شرایط و مدت زمانی و اجاره نوع محصول شتوی و صیفی و یا دیگر بهره‌برداری‌ها در آن ذکر می‌شد، مقدار بذری که در شش‌دانگ روستای خاوه کشت شده بود بنا بر نوشته کتابچه املاک خالصه، ۲۷۰ خروار بوده که با سند

۱. پول نقد متعلق به فروش محصولات بهاره‌کاری، آب‌فروشی، اجاره آسیاب‌های آبی، فروش ته‌چر و سرچر محصولات روستا است و مقدار جنسی بر اساس برداشت خرمن گندم و جو محاسبه می‌شود.



دیوانی ۱۳۰۵ پیوست منطبق است (۱۰۰ خروار بذر دیوانی، ۱۷۰ خروار بذر رعیتی).<sup>۱</sup> در همسایگی ورامین در منطقه غار و فشاپویه شهرری، روستاییان هر یک خروار زمین بذرپاش را در شرایط متعارف دو هکتار محاسبه می‌کنند بنابراین بذرپاش مقدار غله روستا به حدود ۵۴۰ هکتار می‌رسد. کتابچه *املاک خالصه* وسعت کل ده را بر اساس بذرپاش ۵۰۰ خروار متذکر شده است که حدود یک هزار هکتار امروز است، برطبق این محاسبه می‌توان چنین نوشت:

- سطح زیر کشت غله (شتوی) ۲۷۰ خروار برابر با ۵۴۰ هکتار
- سطح زیر کشت بهاره کاری (صیفی) ۱۳۵ خروار برابر با ۲۷۰ هکتار
- سطح زیر کشت باغات و محصولات متفرقه<sup>۲</sup> ۹۵ خروار برابر با ۱۹۰ هکتار

- وسعت پهنة روستا ۵۰۰ خروار برابر با ۱۰۰۰ هکتار

در مورد ۱۳۵ خروار (۲۷۰ هکتار) سطح زیر کشت صیفی، یادآوری می‌شود که در تمامی این منطقه سطح زیر کشت بهاره کاری (صیفی)، نصف پاییزه کاری (شتوی) است چون حقایق آن‌ها در طول نوبتی مدار، از نظر زمانی به دو قسمت برابر تقسیم می‌شده و بر این پایه سطح زیر کشت به نصف تقلیل می‌یابد.<sup>۳</sup>

نظام کشاورزی سنتی خاوه بر اساس تقسیمات بئنه‌ای اداره می‌شد زیرا در سند اجاره‌نامه‌ای متعلق به سال ۱۳۰۴ ه. ق. متعلق به نگارنده چنین نوشته شده است:

«... قبول اجاره نمودیم: این بندگان درگاه سر بئنه‌گان اربابی و گاویند خاوه به ضمانت یکدیگر... تمامی منافع محصول و مداخل شتوی و صیفی و باجیه و گلش و علفچر و آب‌فروشی چهاردانگ و...»

بئنه نظامی بود که بر اساس و مشارکت پنج عامل (آب، زمین، بذر، نیروی شخم و نیروی کار) شکل می‌گرفت و به صورت‌های اربابی و گاویندی تا سال ۱۳۴۲ ش. فعال بود.<sup>۴</sup> اجاره‌کنندگان در مدت اجاره از کلیه منابع روستا و تمامی فرآورده‌ها از قبیل پاییزه کاری، بهاره کاری، سرچرگلش (ته‌مانده بوته‌های گندم و یا جو)، علفچر و فروش اضافی حقایبه‌ها بهره می‌گرفتند.

۱. هر خروار برابر با ۱۰۰ من ۳ کیلوگرمی تبریز برابر با ۳۰۰ کیلوگرم.

۲. محصولات متفرقه از قبیل: شبدر، یونجه، درخت‌کاری، احداث باغ و امثال آن.

۳. برای اطلاع بیشتر و شیوه فرمول‌بندی آن مراجعه شود به: بئنه: نظام‌های زراعی سنتی در ایران، تهران:

امیرکبیر، ۱۳۶۸، صص ۹۹-۱۰۲. ۴. همان کتاب، فصول مربوط.

بازرسان و مأموران دیوان دولتی و امور خالصجات وضع کشت و برداشت و عوامل روستا را به اداره خالصه تهران گزارش می‌کردند و در کم و کسر نیازها کوشا بودند، گاوهای شخم آن‌ها پس از مدتی پیر و فرسوده می‌شدند، اداره خالصه گاوهای پیر را از دور کاری شخم و خرمن‌کوبی معاف نموده (بازنشسته) و گاوهای شخم نر جوان را جایگزین آن‌ها می‌کرد تا عامل شخم، فعال باقی بماند.

در ماه صفر ۱۳۰۹ ه. ق. تعداد ۳۲ فرد گاو (۱۶ جفت) داغدار جوان نیرومند، جهت شخم شش‌دانگ قریه خاوه فرستاده و به سرینه‌ها تحویل و رسید دریافت می‌داشتند، سرینه‌ها بایستی در رسیدی که برای دریافت گاوها به نماینده اداره خالصه می‌دادند، قید می‌کردند که گاوهای دریافتی بدون عیب و نقص‌اند، این تغییر و تحول می‌بایستی در سنبله (شهریور ماه) هر سال که آغاز سال زراعی قبلی رو به اتمام بود پایان یافته و از برج میزان (مهر ماه) که سال جدید آغاز می‌شد، اتمام پذیرد. اگر گاوها در طول مدت سال تلف می‌شدند سرینه‌ها بایستی همانند آن را خریداری و جایگزین می‌کردند. این گاوها در پهنه ورامین و دهات خالصه جنوب تهران و کرج به گاوهای «داغ‌دار» معروف بودند زیرا نقطه‌ای از بدن آن‌ها را با علامت مشخصی داغ می‌کردند تا با گاوهای دیگری اشتباه نشوند و یا در محل دیگری به فروش نروند، هر روستای خالصه علامت داغ مخصوصی داشت که اگر در روستاهای دیگر مشاهده می‌شدند توسط مأموران وقت توقیف می‌شد.

سال کاری بنه‌ها از اول میزان (مهر ماه) رسماً آغاز می‌شد و تا پایان سنبله (شهریور ماه) به مدت یک سال کاری زراعی ادامه می‌یافت و در این فاصله زمانی یک برداشت شتوی (گندم و جو) و یک برداشت صیفی کامل انجام می‌گرفت.

تاریخ استاد با ماه‌های سال قمری نوشته می‌شد، سال‌های قمری به واسطه کاستی‌های زمانی نمی‌توانستند در محاسبه یک سال کامل زراعی که بر اساس پدیده‌های طبیعت شکل می‌گرفت، منطبق شوند، از این رو مسائل کشت و برداشت را با برج‌های شمسی محاسبه می‌کردند و چون سال‌ها همه قمری بودند از سال‌های ترکی چینی دوازده حیوانی بهره می‌گرفتند.

در کلیه استاد اداره خالصه تهران در این سال‌ها نام مدیر خالصجات میرزا محمدباقر مستوفی و یا نام پدرش میرزا صدیق‌الدوله معتمدالخاقان دیده می‌شود. میرزا رضا مدیر اداره خالصجات تهران بوده و هنگامی که برای ریاست بالاتری گزینش می‌شود، فرزندش میرزا محمد باقر معتمدالسلطان کارهای اداره خالصه را به شیوه پدر ادامه می‌دهد.<sup>۱</sup>

۱. برای اطلاعات بیشتر به کتاب استاد بنه‌ها، جلد اول، اسناد بنه‌های غار و فشا پویه شهری، تهران،

## منابع

- اسناد خاوه بین سال‌های ۱۲۹۰ تا ۱۳۱۰ ه. ق. خطی، آرشیو نگارنده.  
دمیرچی، علاءالدین آذری. ۱۳۴۸، *جغرافیای تاریخی ورامین*، تهران: نقشه پایانی کتاب.  
صفی‌نژاد، جواد. ۱۳۵۶، *اسناد بنه‌ها، اسناد بنه‌های شهرری، (غار و فشا پویه)*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، ۲۵۳۶.  
صفی‌نژاد، جواد. ۱۳۶۸، *نظام‌های زراعی سنتی در ایران*، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۸، [چاپ چهارم با اضافات و نقشه‌های زراعی].  
صورت املاک *خالصه تهران*، نسخه خطی کتابخانه آستان قدس، مشهد، ۱۳۰۲ ه. ق. و نسخه چاپ عکسی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.  
فرهنگ *جغرافیایی نیروهای مسلح*، آبادی‌های کشور جمهوری اسلامی ایران، تهران: جلد ۲۸، ۱۳۷۰.





ثروءشكاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی